



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای

عنوان:

بکگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق در دوره ریاست جمهوری

ولادیمیر پوتین

استاد راهنما:  
جناب آقای دکتر غلامعلی چکینی زاده

استاد مشاور:  
جناب آقای دکتر همتانی فیروز آبادی

دانشجو:

حمید احمدی

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان :		
نگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق در دوره ریاست جمهور ولادیمیر پوتین		
نویسنده / محقق :		
حمید احمدی		
مترجم :		
*		
استاد راهنما : دکتر غلامعلی چگینی زاده      استاد مشاور : دکتر دهقانی فیروزآبادی		
استاد داور : دکتر حسین دهشپار		
کتابنامه :		
واژه نامه :		
نوع پایان نامه :	بنیادی	توسعه ای
مقطع تحصیلی :	کارشناسی ارشد	کاربردی
سال تحصیلی :	۸۷ - ۸۶	
محل تحصیل :	تهران	نام دانشگاه :
		دانشگاه علامه طباطبایی
تعداد صفحات :	۲۰۹ صفحه	دانشکده :
		حقوق و علوم سیاسی
کلید واژه ها به زبان فارسی : ناتو - پوتین - روسیه - گسترش به شرق - یلتسین		
کلید واژه ها به زبان انگلیسی : Nato - Putin - Russia - Expantion of Nato to East		

چکیده	
الف) موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف) :	
اهمیت موضوع : روسیه و ناتو و تقابل و تعامل این دو در عرصه بین المللی در طول سالهای پس از جنگ جهانی دوم از جمله مهمترین پدیده های تعیین کننده و جهت دهنده تحولات نظام بین الملل بوده اند که نوع نگاه و تعامل روسیه به ناتو بعنوان الگویی در آشنایی با نحوه تعامل با تهدیدات و پدیده هایی به نوعی برای یک کشور می تواند چالش ساز باشد، بسیار می تواند آموزنده باشد.	
هدف : هدف از گردآوری این مجموعه نیز در وهله اول علاقه شخصی بوده است و هدف دیگر تهیه مجموعه ای که بتواند پوشش دهنده تحولات موضوع پایان نامه در مقطعی خاص جهت استفاده علاقه مندان بوده است.	
ب) مبانی نظری (شامل مروری مختصر از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها) :	

منابع: کتب، مقالات و سایت های اینترنتی به زبانهای فارسی و انگلیسی (عمدتاً مقالات و سایت های اینترنتی).

چارچوب نظری: مبتنی بر نوعی واقع نگری به بازیگران، پدیده ها و تحولات نظام بین الملل

پرسش ها:

۱- پرسش اصلی: علل تحول در نگرش روسیه به ناتو در دوره ریاست جمهوری پوتین؟

۲- پرسش های فرعی: مفهوم گسترش ناتو به شرق و علل و مراحل این پدیده؟ تاثیر به قدرت رسیدن پوتین در روسیه و وقوع

حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا بر نوع نگرش روسیه به ناتو؟

فرضیه: به قدرت رسیدن پوتین، وقوع حوادث یازده سپتامبر و تدوین دکترین های جدید در زمینه دفاعی و سیاست خارجی در نوع

نگرش روسیه به ناتو و نحوه تعامل روسیه با این نهاد امنیتی - نظامی تاثیر داشته است.

پ) روش تحقیق شامل مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری، ابزار اندازه گیری،

نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

در این تحقیق تلاش شده است با مراجعه به کتابخانه ها و مراکز علمی مرتبط با موضوع هدف، منابع موجود مورد مطالعه و موارد قابل

استفاده نکته برداری و در نهایت بر مبنای خطوط ترسیم کننده تحقیق در قالب کنونی مورد استفاده گیرد.

جستجو در سایت های اینترنتی نیز یکی از اصلی ترین پایه های گردآوری مطالب مورد نیاز این تحقیق بوده است.

ت) یافته های تحقیق:

- روسیه دوران پوتین ناتو را بعنوان یک واقعیت پیش رونده که قادر به مهار پیشروی آن نیست، می پذیرد.

- روسیه می کوشد در مسیر تحولات ناتو و گسترش مرزهای آن به شرق، حداکثر امتیاز و پاداش را بدست آورد.

- روسیه در مراحل اول و دوم گسترش ناتو به شرق در سالهای پس از فروپاشی شوروی در قالب ایده «عدم مخالفت - عدم حمایت» را

در پیش می گیرد ولی به نظر می رسد در مراحل بعدی استراتژی خود را در مخالفت با این روند تغییر داده و شدیدتر کرده و مخالفت

خود را از مرحله اعلامی به شکل عملی در آورد.

- ناتو برنامه ای برای توقف جغرافیایی مرزهای خود ندارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

دوره ۸ ساله ریاست جمهوری پوتین تحولات بسیار مهمی در عرصه بین المللی اتفاق افتاد که تاثیر مستقیمی در نوع نگاه و تعامل این

کشور با ناتو داشت. این روند با حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا آغاز، با وقوع جنگ در افغانستان به اوج خود رسید و در

نهایت با وقوع جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و شکلگیری محور ضد جنگ با حضور روسیه آلمان و فرانسه وارد مرحله سردی و رکود

شد. اوج همکاریهای روسیه و ناتو را می توان در دوره اول ریاست جمهوری و بویژه سالهای نخست ریاست جمهوری پوتین دید که

ایده های شخصی تدوین دکترین های نظامی و دفاعی و استراتژی های سیاست خارجی این کشور، منعکس کننده خط و مشی روسیه

دوره او در قابل ناتو و غرب بود.

مطالعه شخصیت پوتین، بررسی تحولات داخلی و تعاملات کشور روسیه در ابعاد منطقه ای و جهانی و تحقیق در زمینه عوامل تاثیر گذار

بر سیاست های داخلی و خارجی این کشور می تواند برای تمام سطح علمی و اجرایی کشور اعم از دانشجویان و استاتید دانشگاه و

محققان و پژوهشگران و مدیران و مسئولین اجرایی کشور آموزنده باشد.

## فصل اول

طرح پژوهش

## فصل دوم

مبانی تاریخی و نظری شکلگیری ناتو

- ۲۶ بخش اول : پیدایش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
- ۲۸ (۱) تحولات موثر در شکلگیری ناتو
- ۲۹ (۱-۱) اظهارت مقامات شوروی
- ۳۰ (۱-۲) بحران یونان
- ۳۱ (۱-۳) بحران ترکیه
- ۳۱ (۱-۴) تشکیل کمیونفرم
- ۳۲ (۱-۵) ورود نیروهای شوروی و آمریکا به آلمان
- ۳۳ (۱-۶) بحران چکسلواکی
- ۳۴ (۱-۷) مقاله فارین افیرز
- ۳۵ (۱-۸) دکترین ترومن
- ۳۶ (۱-۹) طرح مارشال
- ۳۷ (۱-۱۰) قطعنامه واندنبرگ - کنالی
- ۳۷ (۱-۱۱) پیمان دانکرک
- ۳۸ (۱-۱۲) پیمان بروکسل
- ۴۰ (۱-۱۳) سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

بخش دوم : سیر تحول ناتو

- ۴۱ الف) ناتو در دوران جنگ سرد
- ۴۵ (۱) گسترش ناتو
- ۴۵ (۲) استراتژی ناتو
- ۴۶ الف - تلافی بزرگ

۴۶	ب - واکنش انعطاف پذیر
۴۹	ب) ناتو پس از پایان جنگ سرد
۵۱	(۱) بقای ناتو
۵۱	الف - بعد نظری
۵۲	۱- نوواقعگرایان
۵۴	۲- نهادگرایان نولیبرال
۵۷	ب - بعد عملی
۵۹	۱- دیدگاه آمریکایی
۵۹	۲- دیدگاه اروپایی
۵۹	الف - معتدل
۵۹	ب - رادیکال

## فصل سوم

### گسترش ناتو به شرق و دیدگاه روسیه در دوره یلتسین

۶۷	بخش اول : گسترش ناتو به شرق
۶۷	(۱) دیدگاههای مختلف در زمینه گسترش ناتو به شرق
۶۹	دیدگاه اول : طرفداران گسترش
۷۰	دیدگاه دوم : مخالفان گسترش
۷۱	دیدگاه سوم : انتخابهای جایگزین
۷۲	(۲) نخستین نشانه های گسترش
۷۲	(۲-۱) نهادهای جدید ناتو
۷۳	الف - شورای همکاری آتلانتیک شمالی
۷۴	ب - برنامه مشارکت برای صلح
۷۴	ج - برنامه اقدام برای عضویت
۷۵	د - شورای همکاری اور-آتلانتیک
۷۵	(۳) استراتژی ناتو پس از جنگ سرد
۷۶	الف - اولین مفهوم استراتژیک نوین ۱۹۹۱
۷۷	ب - دومین مفهوم استراتژیک نوین ۱۹۹۹

۷۹	۴) مراحل گسترش ناتو به شرق
۷۹	الف) مرحله اول : ۱۹۹۹ - ۱۹۹۴
۷۹	۱- مطالعه گسترش ناتو ۱۹۹۵
۸۲	۲- اجلاس مادرید ۱۹۹۷
۸۳	۳- اجلاس واشنگتن ۱۹۹۹
۸۳	ب) مرحله دوم : ۲۰۰۴-۱۹۹۹
۸۳	اجلاس پراگ ۲۰۰۲
۸۵	بخش دوم : نگرش متقابل روسیه و ناتو
۸۵	۱) ناتو از منظر روسیه
۸۹	الف) ژئوپلتیک
۹۰	ب) گسترش ناتو به شرق : خیانت غرب
۹۱	ج) هزینه های گسترش
۹۴	۲) روسیه از منظر ناتو
۹۷	الف) دوره «آندری کوزیروف» (۹۶ - ۱۹۹۰)
۹۹	ب) دوره «سرگئی پریماکف» (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹)
۱۰۲	ج) سند بنیادین روابط روسیه - ناتو

## فصل چهارم

نگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق در دوره ولادیمیر پوتین

۱۱۰	بخش اول : ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین
۱۱۰	۱) پوتین کیست؟
۱۱۳	۲) خط مشی پوتین
۱۱۸	۳) سیاست خارجی پوتین
۱۲۰	۴) «مفهوم سیاست خارجی» روسیه
۱۲۳	۴-۱) ناتو در مفهوم سیاست خارجی روسیه
۱۲۴	۵) ناتو در نگاه ولادیمیر پوتین
۱۲۷	بخش دوم : «مفهوم امنیت ملی جدید» روسیه

- ۱۳۰ (۱) محورهای مفهوم امنیت ملی جدید روسیه
- ۱۳۲ (۲) تهدیدات امنیت ملی روسیه
- ۱۳۴ (۳) مقایسه مفهوم امنیت ملی روسیه ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰
- ۱۳۴ الف - اشتراکات
- ۱۳۵ ب - اختلافات
- ۱۳۶ (۴) ناتو در مفهوم امنیت ملی جدید روسیه
- ۱۳۹ بخش سوم: حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا
- ۱۴۰ (۱) روسیه و حوادث یازده سپتامبر
- ۱۴۲ الف) واکنش روسیه به حوادث یازده سپتامبر
- ۱۴۳ ب) تاثیر حوادث یازده سپتامبر بر روابط روسیه و ناتو
- ۱۴۷ (۱) اجلاس سران ناتو در ایتالیا
- ۱۴۷ (۲) شورای روسیه - ناتو
- ۱۴۹ ج) تاثیر حوادث یازده سپتامبر بر روابط روسیه و آمریکا
- ۱۴۹ (۱) روابط روسیه و آمریکا قبل از حوادث یازده سپتامبر
- ۱۵۵ (۲) تاثیر حوادث یازده سپتامبر بر روابط روسیه و آمریکا
- ۱۶۲ (۳) روسیه در استراتژی امنیت ملی آمریکا
- ۱۶۴ (۲) تاثیر حوادث یازده سپتامبر بر ناتو
- ۱۶۴ الف) ماهیت ناتو
- ۱۶۶ ب) گستره عملیاتی ناتو
- ۱۶۷ ج) گسترش ناتو به شرق
- ۱۶۹ بخش چهارم: دومین دور ریاست جمهوری پوتین

## فصل پنجم

- ۱۸۴ نتیجه گیری

منابع و ماخذ

## مقدمه

موضوع مطالعات در خصوص روسیه می تواند برای هر محققى جذاب و در عین حال با دشواریهای خاص خود باشد. روسیه به عنوان ابرقدرتی که پس از چندین قرن در گذشته ای نزدیک به ما با از دست دادن برخی از عناصر قدرت خود که در پی فروپاشی نظام سیاسی این کشور در اوایل دهه ۹۰ صورت گرفت در وضعیتی نه چندان مطلوب در حال مبارزه با چالش هایی در درون و برون خود است که هر یک از آنها می تواند یک قدرت را از پای در آورد. وجود چنین شرایطی برای ابرقدرت دیرین نظام بین الملل می تواند هر محققى را برانگیزد که دست به قلم ببرد و در این ارتباط به گردآوری مطالبی علمی بپردازد.

علاقه شخصی و حرفه ای نگارنده به موضوع مطالعات روسیه با به قدرت رسیدن پوتین بعنوان رئیس جمهور روسیه در سال ۲۰۰۰ انگیزه مضاعفی را ایجاد کرد تا تحت عنوانی خاص به گردآوری مطالبی پرداخته شود که بتواند تشکیل دهنده مجموعه ای حاوی داده ها و اطلاعات مفید و دانشگاهی مبتنی بر تحلیلهای علمی باشد که در اختیار دانشجویان و علاقه مندان به موضوع هدف قرار گیرد.

بدون تردید فروپاشی نظام سیاسی شوروی که با اقتدار بخش قابل توجهی از جهان را به زیر سلطه خود داشت از محدود مقاطع تاریخی است که تا پایان حیات بشر در کانون توجه و مطالعات علمی و دانشگاهی محققان قرار خواهد گرفت. در حالی که فرآیندها شکلگیری یک دولت ملت در طول تاریخ سیاسی جهان می تواند زمان بسیار طولانی را به خود اختصاص دهد ولی



فروپاشی شوروی به تنهایی بنیان آغاز حیات سیاسی ۱۵ کشور جدید در نقشه سیاسی جهان را رقم زد همین تحول برای درک اهمیت اجزاء موضوع هدف کافی است. اتحاد جماهیر شوروی گستره و دامنه نفوذ خود را از دست داد ولی وارث آن کشوری شد که همچنان در جستجوی جایگاه جدید و یا حداقل نگه داشتن آنچه که به او به ارث رسیده بود قرار داشت. مشکلات داخلی و تهدیدات خارجی و چگونگی تعامل با هر یک از این موارد علاوه بر آنکه می تواند موضوعی دانشگاهی برای انجام یک تحقیق باشد می تواند عبرت آموزی باشد و بعدی آموزشی در زمینه حکومت داری برای دولتمردان هر کشوری داشته باشد.

در این تحقیق تلاش شده است اجزاء و شاخص های موثر در عنوان اصلی تحقیق مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و با استفاده از مصادیق و نمونه های عینی که به بعد تاریخی تحقیق کمک می کرد مجموعه ای چندوجهی از موضوع هدف تدوین گردد. امید آنکه حاصل بیش از ۳ سال گردآوری مطالب و رصد تحولات مربوط به موضوع تحقیق بتواند کمک شایسته ای به جامعه علمی دانشجویی کشورمان کند.

## طرح پژوهش

بدون تردید نقش و تاثیر کشور روسیه در تحولات روابط بین الملل در قرون اخیر انکارناپذیر است؛ نه تنها این نقش و جایگاه انکارناپذیر است بلکه به جرأت می توان گفت که روسیه در قرون اخیر یکی از قطبهای پایداری قدرت در سطح منطقه ای و جهانی بوده است که به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران مسائل روسیه و سیاست های جهانی، بنیان گذاری چنین جایگاهی برای این کشور از دو عامل ناشی می شود :

یکی «موقعیت سرزمینی» که با قرار گرفتن در قلب منطقه ای وسیع بنام اورآسیا، موجب کنترل و سلطه بر این محدوده جغرافیایی وسیع شده است. عامل دیگر نیز رهبرانی است که در طول قرون معاصر بر این سرزمین و کشور حکومت کرده اند و همواره راهبرد مشابه ای را در قبال تعامل با جهان خارج در پیش گرفته اند و آنهم اعتدالی جایگاه و استحکام ابرقدرتی این کشور بر جهان بوده است.

تاریخ روابط بین الملل متأثر از تحولات و وقایعی است که در طول زمان پس از وقوع، موجب تغییرات اساسی در روند و ادامه حرکت آن می گردد و به نوعی می توان گفت این وقایع تاریخی هستند که جهت دهنده به مسیر حرکت تحولات روابط بین الملل می باشند. محققان و پژوهشگران این رشته نیز براساس همین مقاطع تاریخی است که به تجزیه و تحلیل رویدادها می پردازند و اغلب نیز براساس همین تحولات ضمن دستیابی به درکی متناسب با شرائط، به پیش بینی تحولات آتی براساس ظرف زمانی و مکانی مورد نظر، اقدام می کنند. جنگهای ایران و روم و ایران و یونان، برخوردهای دولت روم

با دولتهای شهرهای محلی یونان باستان، سلطه کلیسا بر ساختارهای قدرت در اروپا در قرون وسطی، جنگهای صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان، جنگهای مذهبی و پس از آن برگزاری کنفرانس صلح وستفالیای در سال 1648، انقلاب فرانسه و جنگهای ناپلئون که به کنگره 1815 وین ختم شد، جنگهای جهانی اول و عوامل پدیدآورنده و پایان دهنده به آن، تشکیل جامعه ملل و اندیشه های بنیانگذاران آن و تحولات موثر در ناکارآمدی این سازمان بین المللی و حوادث منتهی به جنگ جهانی دوم و به دنبال آن پایان این جنگ و تشکیل سازمان ملل متحد، فن آوری های تسلیحاتی و ایدئولوژی های سیاسی که سنگ بنای جنگ سرد را نهادند و تحولات 4 دهه کشمکش ایدئولوژیک دو ابرقدرت در صحنه جهانی، فروریختن دیوار برلین و از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی و درگیریهای بالکان در اروپا و در نهایت حوادث یازده سپتامبر در سال 2001 در ایالات متحده آمریکا و جنگ این کشور در افغانستان و عراق براساس راهبرد «مبارزه با تروریسم، تسلیحات کشتار جمعی و دولتهای سرکش» همگی پدیده های بوقوع پیوسته در نظام بین الملل هستند که هر یک «مقطعی تعیین کننده» در تاریخ روابط بین الملل و تجزیه و تحلیل عناصر سازنده این رشته محسوب می شوند.

از میان تحولات برشمرده شده در پاراگراف فوق، که تنها بخش بسیار محدود و انگشت شماری از تحولات نظام بین الملل به حساب می آید، جنگ جهانی دوم (1940 تا 1945م)، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (طی فرایندی از سال 1989 تا 1991م) و حوادث یازده سپتامبر در آمریکا (در سال 2001م) که به ترتیب زمینه ساز تحولات

مهمی چون شکلگیری ناتو، الگوبندی توزیع قدرت در نظام بین الملل براساس موازنه قدرت دو بلوکی، وقوع جنگ سرد، پایان جنگ سرد و نظام موازنه قدرت و تغییر در استراتژی ناتو در دوره جدید و در نهایت با وقوع حوادث یازده سپتامبر آغاز دوره جدیدی در نظام بین الملل براساس تفوق نظامی مطلق آمریکا بر جهان شد، از اهمیت و جایگاه تعیین کننده و قابل تأملی برخوردارند.

جنگ جهانی دوم که قریب به 5 سال نه تنها قاره اروپا، بلکه بسیاری از نقاط شرق و غرب جهان را در روی هم قرار دارد، بدون بازگشت به علل و ریشه های شکل گیری آن، دارای مختصاتی است که مهمترین آن عبارت از موارد زیر است :

این جنگ میان قدرتهای طراز اول قاره اروپا شکل گرفت، دومین اتحاد برنامه ریزی نشده دو سوی آتلانتیک علیه اقتدارگرایی در طول تاریخ آنها بود که بار نخست آن در جریان جنگ جهانی اول صورت گرفته بود. از ابتدا تا پایان شاهد شکلگیری دو اتحاد هستیم: ابتدا میان آلمان (نازیسم)، ایتالیا (فاشیسم) و شوروی (کمونیسم) که در یک ضلع این مثلث یعنی کمونیسم با حمله نازیسم، به اردوگاه جهان لیبرال پیوست که در آن انگلستان و فرانسه حضور داشتند؛ جنگ جهانی دوم موجب ویرانی بیش از 60 درصدی بسیاری از شهرهای مهم و صنعتی اروپایی شد، پس از قرنهای تسلط اروپاییان و نظرات اروپایی بر روابط بین الملل، انحصار این رشته از دست این قاره خارج شد و در واقع پایانی بود بر روابط بین الملل اروپایی؛ برای نخستین بار یکی از مخرب ترین تسلیحات ساخته شده

توسط بشر در طول تاریخ، در این جنگ مورد استفاده قرار گرفت و اتفاقاً عامل پایان بخشیدن به 5 سال جنگ و خونریزی شد؛ در کنار تحولات دوران جنگ، تحولات پس از آن نیز دارای اهمیت بسیار بالایی در مطالعه روابط بین الملل محسوب می شود. «فن آوری جنگی» در کنار «ایدئولوژی سیاسی» و به دنبال آن، بعنوان یکی از بارزترین پیامدهای جنگ جهانی دوم، «خروج آمریکا از انزوای سیاسی» پس از بیش از 100 سال، موجب شکلگیری نظام بین الملل جدید با مختصات جدید شد. خطوط جداکننده قدرتهای متخاصم در دوران جنگ (آلمان، ایتالیا، اسپانیا، ژاپن و البته اتریش در یک سو و شوروی از سال 1941 با حمله آلمان به این کشور، انگلستان، فرانسه و بعدها آمریکا در سوی دیگر)، در فردای جنگ جابه جایی بنیادینی داشت؛ بدین صورت که شوروی در یک سو و سایر قدرتهای فوق در جبهه ای دیگر قرار گرفتند. این خطوط جداکننده که موجب ترسیم الگوی دو قطبی قدرت در نظام بین الملل به رهبری آمریکا از یک سو و اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر شد، موجب افکندن چتر 40 ساله جنگ سرد بر جهان و به تبع آن رقابت رهبران و اقمار هر یک از دو بلوک در طول سالها شد که پیامدهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی، طبیعی ترین پیامدهای آن محسوب می شدند.

علاوه بر رقابت دو بلوک در حوزه های سیاسی و اقتصادی، یکی از مشخص ترین و تعیین کننده ترین حوزه های رقابت آنها، رقابت در حوزه امنیتی و نظامی بود که مصداق آنرا در شکلگیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در غرب و پیمان ورشو در شرق شاهد

هستیم. ناتو و ورشو بازتاب روشن و طبیعی رقابت دو ابرقدرت برای پاسداری از حوزه نفوذ و سلطه خود بر جهان بود و بیانگر ترتیبات امنیتی مورد نظر هر یک از رهبران بلوکهای متخاصم در تعامل و یا تقابل با رقیب مقابل بود. ناتو در 14 آوریل 1949 شکل گرفت تا از توسعه نفوذ شوروی و ایڈئولوژی آن در قاره اروپا جلوگیری کند و در واقع سدی باشد در مقابل سیاستهای توسعه طلبانه این ابرقدرت و در پاسخ به ناتو، شوروی نیز متحدان خود در اروپای شرقی و مرکزی را در قالب پیمان ورشو سازمان داد تا برنامه ها و راهبرد امنیتی و نظامی هماهنگی را در مقابل تحركات جهان غرب نشان دهند.

با تحولات آخرین سالهای دهه 80 در اتحاد جماهیر شوروی که با روی کار آمدن میخائیل گورباچف در این کشور و با برنامه اصلاحات در دو حوزه سیاسی و اقتصادی تحت عناوین «پروستوریکا و گلاسنوست» و در نهایت انحلال پیمان ورشو و فروپاشی شوروی و تبدیل آن به 15 جمهوری همراه بود، گمان برخی از نظریه پردازان غربی این بود که روسیه بعنوان وارث اصلی شوروی سابق، نقش این کشور در نظام بین الملل پس از جنگ سرد را بعنوان یک ابرقدرت ایفا خواهد کرد، اما مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشور، توان نظامی این کشور را تحت الشعاع قرار می داد و لذا در ادامه برنامه های گورباچف در قالب «خانه مشترک اروپایی»، شاهد ادامه گرایش مسکو به پیوستن به جهان غرب هستیم؛ هرچند این روند نیز به دلیل مشکلات ساختاری داخلی این کشور، با فراز و نشیب فراوان روبرو بوده است.

تحولات سالهای نخست پس از پایان جنگ سرد، کشمکش درونی نظام سیاسی روسیه در گرایش به غرب از یک سو و سودای احیاء جایگاه امپراطوری برای این کشور از سوی دیگر، خلاء امنیتی ناشی از فروپاشی غیرمنتظره شوروی و ناتوانی آمریکا (یا فقدان یک راهبرد کارآمد) برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان ابرقدرت رقیب، نظام بین الملل را پس از آزاد شدن از الگوی دو قطبی قدرت، به دورانی وارد کرد که به اجماع بسیاری از صاحب نظران، «دوران گذار» محسوب می شود؛ دورانی که ابهام در الگوی قدرت مشخص ترین نشانه آن بود. در این دوران جدید شاهد تلاش آمریکا برای اعمال تفوق و برتری خود بر نظام بین الملل از یک طرف و تلاش روسیه هستیم که با شیوه های جدید، ضمن حفظ اقتدار سنتی خود در مجموعه تاملات بین المللی و منطقه ای، روندی مسالمت آمیز با ترکیبی از همکاری و رقابت را با غرب و مشخصاً با ایالات متحده آمریکا در پیش بگیرد. این امر را می توان متأثر از سه ویژگی بارز دوران جدید دانست، دورانی که «هویتهای جدید»، «تهدیدات جدید» و در نتیجه ضرورت «مدلهای امنیتی جدید» آنرا از دوران پیشین متمایز می ساخت.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در پاسخ به تهدید ناشی از سیاستهای توسعه طلبانه اتحاد جماهیر شوروی در سال 1949 ایجاد شده بود و پس از آن نیز براساس ضرورتهای امنیتی آن دوران به تعداد اعضاء آن افزوده شد، در مدت 40 سال حیات خود در دوران جنگ سرد، ماموریت اصلی این اتحاد مهار و ایجاد سد در مقابل توسعه طلبی شوروی و نیروهای مورد حمایت این ابرقدرت بود. با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، اصلی

ترین ماموریت این سازمان امنیتی توجیه خود را از دست داد و براساس منطق «تئوریهای اتحاد» که بقای اتحاد را پس از پایان یافتن تهدیدات تقریباً غیرممکن می دانستند، این پیمان در پارادوکس بقا در دورانی که هیچ تهدیدی بصورت مستقیم اعضاء آن را تحت تاثیر خود قرار نمی داد، به حیات خود ادامه می داد.

علی رغم مخالفت‌هایی که نسبت به ادامه حیات ناتو چه از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان غربی و چه مخالفان روسی صورت می گرفت، ولی روسیه با نگاه به ناتو بعنوان يك «واقعیت امنیتی» در جهان بین الملل پس از جنگ، نوعی تعامل و مدارا همراه با روندی توأم با بسط و تعمیق همکاری را با آن در پیش گرفت؛ دلایل اتخاذ چنین رویکردی در نگاه روسیه به ناتو را می توان در موارد سه گانه ای برداشت کرد که از مجموع مطالعات و تحقیقاتی که در اینخصوص صورت می گیرد، استخراج شده است: «حمایت اعضای ناتو از اصول دموکراتیک و تلاشهای روسیه در همکاری بیشتر با غرب و بخصوص اروپا»، «تحولات و شرائط بین المللی که همکاری و تعامل نزدیک تر این دو واحد سیاسی را در سطح نظام بین الملل اجتناب ناپذیر می کرد» و «نیاز روسیه به کمکها و حمایت‌های نهادهای بین المللی مالی و اعضاء توانمند اقتصادی ناتو از یک سو و ضرورت حصول اطمینان برای قدرتی نظیر ایالات متحده آمریکا از نحوه و کیفیت همکاری روسیه با برخی کشورهای در حال توسعه بویژه در زمینه همکاریهای تسلیحاتی از سوی دیگر».

بسیاری از صاحب‌نظران مسائل روسیه، دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در روسیه را که از مارس



2000 آغاز شد، یکی از مقاطع تاریخی در روابط روسیه با نظام بین الملل می دانند. طرح دیدگاه های وی در مسائل داخلی و مسائل سیاست خارجی روسیه که از زمان انتصاب بعنوان دبیر شورای امنیت و پس از آن نخست وزیر روسیه نقش اساسی در تدوین و تصویب «دکترین امنیت ملی جدید» این کشور داشت، این امیدواری را ایجاد کرد که با روی کار آمدن رئیس جمهوری عملگرا که اولین هدفش این بود که دولتی مرکزی که قادر به اجرای دستورات خود باشد، تشکیل دهد، این کشور دوره جدیدی را در تعامل با نهادهای بین المللی و پذیرش واقعیت های موجود نظام بین الملل، آغاز نماید.

در نخستین سال روی کار آمدن رئیس جمهوری عملگرا در کرملین، کاخ سفید در آستانه ورود رئیس جمهور جدیدی بود که اندیشه های نو محافظه کاران آمریکا را در عالی ترین نقطه ساختار سیاسی این کشور نمایندگی می کرد و یکسال پس از آن، شاهد وقوع حوادث یازده سپتامبر در این کشور بودیم. آخرین خانه پازل «تهدیدات برای جهان متمدن» تکمیل شد و پوتین نیز این تحولات را برای مشارکت بیشتر روسیه در ترتیبات امنیتی نظام بین الملل به رهبری آمریکا، فرصتی تکرار نشدنی دید و به ائتلاف مبارزه با تروریسم پیوست. پوتین در حساس ترین مرحله ریاست جمهوری خود، سرنوشت ساز ترین تصمیم دوران جدید کرملین را اتخاذ کرد و علی رغم مخالفت های داخلی، به تشکیل محور آمریکا - اروپا - روسیه شتاب بیشتری داد تا جهان 37 روز پس از حوادث یازده سپتامبر، برای جنگ آمریکا و متحدانش در افغانستان آماده شود.

این پژوهش با بررسی مجموعه تحولاتی (ناتو و پیدایش و تکامل آن در دوران جنگ سرد و پس از آن، گسترش این سازمان پس از فروپاشی شوروی، سیر نگرش روسیه به ناتو و گسترش به شرق، ریاست جمهوری پوتین، دکترین امنیت ملی جدید این کشور و حوادث یازده سپتامبر 2001 در آمریکا) که در سطور پیشین به آنها اشاره شد، می‌کوشد با بررسی و تجزیه و تحلیل این حوادث، به شناسایی نگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین بپردازد. با این هدف، مجموعه مطالب گردآوری شده براساس سئوال اصلی و سوالات فرعی، فرضیه اصلی و مفروضاتی دیگر که پس از این می‌آید، سازمان داده شده اند :

### **سئوال اصلی :**

«علل تحول در نگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین چه بوده است؟»

### **سئوالات فرعی :**

- 1) مفهوم گسترش ناتو به شرق چیست؟ تحت تاثیر چه عواملی صورت می‌گیرد و مراحل آن کدام است؟
- 2) دکترین امنیت ملی روسیه در دوره پوتین نسبت به دوره پیش از آن، چه تحولاتی داشته است؟
- 3) روی کار آمدن پوتین بعنوان رئیس جمهور روسیه چه تاثیری بر نگرش این کشور بر ناتو و گسترش آن به شرق داشته است؟
- 4) حوادث یازده سپتامبر 2001 در ایالات متحده آمریکا چه تاثیری در تعامل روسیه و ناتو و نگرش این کشور به گسترش این سازمان به شرق داشته است؟

## فرضیه :

«نگرش روسیه به گسترش ناتو به شرق، متاثر از متغیرهای «دکترین امنیت ملی جدید روسیه»، «روی کار آمدن یوتن بعنوان رئیس جمهور» و «وقوع حوادث یازده سپتامبر 2001 در آمریکا» به همکاری بیشتر به ناتو گرایش پیدا کرده است.

## مفروضات :

- 1) گسترش ناتو به شرق واقعه‌ای انکارناپذیر است ولی ارائه تصویری از نقطه پایان این گسترش در حال حاضر امکانپذیر نیست.
- 2) روسیه در سالهای پس از فروپاشی شوروی، با اینکه همواره از گسترش ناتو به شرق بعنوان یک تهدید برای امنیت ملی خود یاد کرده است، اما همزمان رویکرد «مدارا - تعامل» را در قبال این موضوع در پیش گرفته است.
- 3) ایده های غربگرایانه، شخصیت کاریزماتیک و عملگرایی پوتین، تاثیر عمده ای در نحوه تعامل کشور روسیه با غرب، نهادهای بین المللی و بویژه ایالات متحده آمریکا داشته است.
- 4) حوادث یازده سپتامبر فرصتی بدیع در مقابل روسیه برای بهبود روابط خود با ایالات متحده آمریکا قرار داد و پوتین از این فرصت برای عملی ساختن ایده های خود در این زمینه به خوبی استفاده کرد.

## مفاهیم :

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی :

سازمانی است که براساس پیمان آتلانتیک شمالی که در 4 آوریل 1949 به امضاء 12 کشور اروپای غربی و آمریکای شمالی رسید، تشکیل شد. براساس ماده 5 این پیمان، حمله به یکی از اعضاء، حمله علیه تمام اعضاء تلقی می گردد و لذا در صورت وقوع چنین حوادثی، تمامی اعضاء می بایست در چارچوب پیمان آتلانتیک شمالی، اقدامات مشترکی را صورت دهند. این سازمان در حال حاضر 26 عضو دارد. ایالات متحده آمریکا، کانادا، بلژیک، لوکزامبورگ، هلند، انگلستان، دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نروژ و پرتغال اعضای اولیه هستند و کشورهای یونان، ترکیه، آلمان، اسپانیا، چک، مجارستان، لهستان، اسلوانی، بلغارستان، لیتوانی، لتونی، استونی اعضای هستند که در سالهای بعد به این پیمان ملحق شدند.

### **گسترش ناتو به شرق: (Eastward NATO Expantion)**

هدف اصلی از تشکیل ناتو، ایجاد سد در مقابل سیاستهای توسعه طلبانه اتحاد جماهیر شوروی بود، لذا طبیعی بود که با فروپاشی این ابرقدرت، این سازمان نیز همانند پیمان ورشو به کار خود پایان دهد، که این چنین نشد و اعضاء این سازمان با هدف استقرار و تحکیم صلح و ثبات و توسعه منطقه صلح دموکرتیک در اروپای مرکزی و شمالی براساس استراتژی جدید که در اجلاس سران در لندن و رم در سال 1991 به تصویب اعضاء رسید، تصمیم گرفتند درهای این سازمان را به روی اعضای جدید از منطقه اروپای مرکزی و شرقی که پیش از این تحت سلطه شوروی قرار داشتند، باز نگه دارند لذا پذیرش اعضاء از میان کشورهای منطقه و یا همان گسترش به سوی شرق در دستور کار ناتو قرار